

دیروز سیستم کارتخوان؛ امروز سیستم تصفیه!



حتا بیمارستان‌ها که به راستی هیچ دیده بانی بر کار آنها نیست. آزمایشگاه‌ها، با وجود هزار و یک هزینه‌ی نهفته، سال‌ها است که دارای کارتخوان و ناگزیر به پرداخت همه‌ی هزینه‌های گونه‌گون هستند.

همزمان با هیاهوی ناروای پدیده‌ی ثبت کارتخوان، تازه‌ترین تازه‌ای قد برافراشته است که به راستی در سراسر گیتی نوبر است. چکیده‌ی این نوآوری این است که باید آزمایشگاه‌ها، کلینیک‌ها و مراکز درمانی، دارای تصفیه‌ی فاضلاب باشند. از دیرباز، برخی بیمارستان‌ها و یا آزمایشگاه‌داران، دارای زباله سوز هستند. سال‌ها است که پس از استریل کردن زباله‌های آلوده، آن‌را به یک شرکت شناخته شده، تحویل می‌دهند. اما پدیده‌ی تازه، گویا در باره‌ی مایعات بدن است (پساب دستگاه‌های آزمایشگاهی، ادرار و مدفوع؟)

گفتنی است هزینه‌ی چنین کاری خود به اندازه‌ی برپایی یک آزمایشگاه است. این داستان همانند داستان مالیات است. زیرا هنگامی که آلاینده‌های بزرگ صنعتی که رودخانه‌ها و دریاچه‌ها را آلوده می‌کند، نادیده گرفته می‌شود، چند لیترا درار، سرم همراه با پساب کیت‌های بیولوژیک آزمایشگاه (که ضد طبیعت نیست و وارد هیچ رودخانه‌ای نمی‌شود) زیر ذره بین برده می‌شود. گویا پس از تباہ کردن بسیاری از زیر ساخت‌های صنعتی کشور و برپایی صنعت دلالی، اکنون نوبت تباہ کردن رشته‌ی پزشکی و به ویژه آزمایشگاه‌ها است. تنها امید پیشگیری از این پدیده‌ی ناروا، وزیر فرهیخته‌ی بهداشت است که شاید بتواند از عهده‌ی سوداگران و رانت خواران بر آید.

راننده با یکی از مسافرها گرم سخن بود و ناخواسته من هم می‌شنیدم. مسافر پرسید، تو با مدرک کارشناسی ارشد، مسافرکشی می‌کنی؟ گفت خوب مجبورم کار کنم، ولی درآمد اصلی من از یک هولدینگ است. هولدینگ؟! من با بیش از پنج دهه فراگیری زبان‌های بیگانه و خواندن اقتصادهای خرد و کلان، نمیدانستم هولدینگ چه گونه کاری است و برایم شگفت‌انگیز می‌نمود. به راستی، این روزها برای یک ویراستار دلسوز ادبی، شکنجه‌ای بیشتر از گوش کردن و شنیدن سخنان ناترازمند از رسانه‌ها نیست.

در کشورما در رسانه‌ها برای گویش و نگارش، هیچ استانداردی نیست. برخی ار واژگان که جایگاهشان تنها در تارنماهای ناهنجار و یا زرد است، هم اکنون وارد زبان رسانه‌ها و برخی مسوولان شده است، مانند سلبریتی و غیره. چهار دهه پیش برخی نام‌های هتل‌ها و فروشگاه‌ها (به تعداد انگشتان دست و پا هم نبودند) که بیگانه به شمار می‌آمد، برداشته شد. اکنون در هر کوچه پس کوچه، نام‌های ناخوش‌آیند و بیگانه روی هر بقالی گذاشته شده است. اگر آن زمان نام هتل کتینتال به لاله برگشت، دست کم نام لاله فارسی و زیبا بود. امروز به نام‌های هتل‌های تازه به دوران رسیده‌ها بنگرید، تهی از هرگونه معنی ملی و شهرت جهانی است. شرکت‌های نوپا را استارت آپ می‌گویند. شاید می‌پندارند که نام فرنگی آن اعتبار بیشتری دارد.

این روزها در هیچ جا (شاید تنها در آزمایشگاه‌های بزرگ و فرودگاه‌های کشور) استاندارد در کار نیست،